

زندان به مثابه بستری مسخ‌کننده یا تعالی‌بخش: مطالعه کیفی تجربه زندان در میان متهمان به قتل در زندان عادل‌آباد شیراز

احمد کلاته ساداتی (استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، نویسنده مسئول)

asadati@yazd.ac.ir

زهرا فلک‌الدین (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

zahra.falakodin93@gmail.com

چکیده

هدف زندان، مجازات، نگهداری یا بازپروری زندانی است، که در این میان زندانیان متهم به قتل و بازپروری آن‌ها وضعیت متفاوتی دارند. شناخت تجربه و نگرش این افراد به زندان می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند که اهداف زندان را اصلاح کرده یا تعالی بخشند. هدف پژوهش حاضر واکاوی تجربه زندان در میان ۲۱ زندانی متهم به قتل در زندان عادل‌آباد شیراز است. داده‌ها با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روی نمونه‌ای هدفمند جمع‌آوری و با روش تحلیل مضمونی تحلیل شدند. نتیجه تحقیق نشان داد که زندگی در بند قتل، بسیار سخت و طاقت فرساست؛ به طوری که فرد زندانی از مرحله‌ای به بعد، شناخت خود درباره محیط را تا حدودی از دست می‌دهد و دچار نوعی مسخ‌شدگی می‌شود. زندان برای قاتل، محیطی است پرمخاطره با فرهنگ خاص خود که فرصت سوزی را به وجود می‌آورد و فرد از داغ‌ننگ آن نیز دچار اضطراب است. البته قاتلانی که امید به رهایی دارند، در محیط توانمندساز زندان، با ایجاد تغییر مثبت در زندان توانسته‌اند در فعالیت‌های فرهنگی زندان مشارکت کرده و خود را تعالی بخشند. به طور کلی اینکه فرد چه تجربه‌ای در زندان دارد، بیشتر مبتنی بر عاملیت وی -تجارب زیسته گذشته و اهداف و

آرمان‌هایش است- تا ساختار محدودکننده زندان؛ اگرچه نظام کنترلی زندان نیز برای همه گروه‌ها درک و تجربه مشترکی را دارد. با توجه به نتایج تحقیق، کم کردن فشارهای روانی زندانیان در بند قتل به خصوص زندانیان تازه‌وارد با ابزارهای کنترلی و نظارتی به‌روز و دقیق‌تر، جداکردن قاتلان غیرعمد از عمد، برگزاری کلاس‌های مشاوره به‌صورت ممتد و نظارت بهتر بر محیط از سوی زندان پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قاتل، تجربه زندان، محیط پرمخاطره، مسخ‌شدگی.

۱. مقدمه

زندان به‌جز کالبد فیزیکی‌اش، یک مفهوم اجتماعی است. این مفهوم با سه معنای مجازات، نگهداری و بازپروری ارتباط تنگاتنگی دارد. جداکردن فرد مجرم از جامعه و نگهداری وی در محیطی خاص که محدودیت‌های شدیدی در آن اعمال می‌شود، جنبه مجازات‌گونه زندان است. فرد زندانی از بسیاری از فرصت‌های اجتماعی محروم می‌شود و در مجموعه‌ای بسته برای مدتی یا گاه برای همیشه محبوس است. از سوی دیگر نظام‌های زندان‌بانی تلاش می‌کنند نوعی بازپروری نیز در زندان انجام دهند. این موضوع به‌خصوص درباره مجرمان به کار گرفته می‌شود. حل مشکل احساس گناه یکی از وظایف مهم روانی در دوران اولیه فرد در زندان است. از آنجاکه تخطی از قوانین جامعه می‌تواند موجب فشار روانی در میان مجرمان شود، آن‌ها سعی می‌کنند آن را کاهش دهند. فرد می‌گوید: «من یک کار اشتباه انجام دادم». احساس گناه به افراد کمک می‌کند تا مسئولیت خود را بپذیرند و عذرخواهی کنند (کواز^۱، کان^۲، گریفیتز^۳ و دمیتراویز^۴، ۲۰۱۹، ص. ۲۴۰). سایکس^۵ (۱۹۵۸)

1. Kovács
2. Kun
3. Griffiths
4. Demetrovics
5. Sykes

استدلال می‌کند که زندان با مجموعه‌ای از محرومیت‌های متمایز و در عین حال مشترک و تقویت‌کننده مشخص می‌شود که چیزی را که به‌عنوان درد حبس یاد می‌شود، به وجود می‌آورد (وار^۱، ۲۰۱۶، ص. ۳۰۵). در این زمینه جو اجتماعی در فرهنگ زندان با خصومت، تسلط و بی‌احترامی همراه است که زندانی اغلب به ساختمانی بتونی، تهویهٔ بد و سلول‌های کم‌نور و تاریک محدود می‌شود (ردن^۲ و دورانت^۳، ۲۰۱۹، ص. ۱۵). در این شرایط، زندان حداقل در ابتدا به‌عنوان یک فاجعه تجربه می‌شود؛ نقطه‌ای که فراتر از آن هیچ‌چیز نمی‌تواند دوباره یکسان باشد و می‌تواند به‌عنوان یک حس «جبران‌ناپذیر» تجربه شود و از این حیث است که بسیاری از زندانیان مسن‌تر از مرگ در زندان می‌ترسند و درواقع برخی از آن‌ها جان سالم به در نمی‌برند (کلاولی^۴، ۲۰۰۵، ص. ۳۵۹).

البته نظام‌های زندان‌بانی در طول تاریخ تغییرات زیادی از سر گذرانده‌اند؛ به همین دلیل است که بن^۵ از شکل‌گیری زندان‌هایی با عنوان «زندان خصوصی» نام برده است که «زندان استبدادی گذشته ناراحت‌کننده، اما پیش‌بینی‌پذیر بود. در مقایسه، زندان جدید محدودیت کمتری دارد، اما هدایت‌کردن زندانیان در آن دشوارتر است. هدف این زندان مسئولیت‌پذیرکردن افراد برای بهبود و تحول است» (بن^۶، ۲۰۱۳، ص. ۲۲۰)؛ بنابراین می‌توان گفت که یکی از اهداف زندان‌های جدید بازپروری است. گیرتسن^۷، نیلاندر^۸، فرانک^۹ و تورونن^{۱۰} به فعالیت‌های بازپروری از جمله بازتوانی افراد از طریق فراهم‌کردن خدمات

-
1. Warr
 2. Reddon
 3. Durante
 4. Crawley
 5. Behan
 6. Behan
 7. Nylander
 8. Frank
 9. Kolind
 10. Tourunen

آموزش، بهداشتی و خدمات رفاهی اجتماعی اشاره کرده‌اند (گیرتسن و همکاران، ۲۰۱۵، ص. ۱۴۶). این موضوع به‌خصوص دربارهٔ زندانیان مرد و سالمند اهمیت دارد و زندان باید به نیازهای این گروه در جهت توانبخشی آن‌ها کمک کند (کراولی^۱ و اسپارکس^۲، ۲۰۰۶، ص. ۷۱).

یکی از بازتولیدهای اجتماعی زندان، ایجاد داغ ننگ زندانی بر متهم است. همچنین رژیم زندان متهم به ایجاد داغ ننگ بر افراد به‌خصوص در جوامع کوچک و محلی می‌شود. همچنین به‌دلیل سابقهٔ زندان، استفاده از مواد مخدر و بیکاری، پویایی آزادی از زندان با فرصت‌های محدود به خطر خواهد افتاد (بولر^۳، فیلیپس^۴ و ریس^۵، ۲۰۱۸، ص. ۶۵). از دیگر کارکردهای منفی زندان مدرن این است که افسران زندان اغلب از لحاظ اخلاقی زندانیان را سانسور می‌کنند و آن‌ها را «مجرمان» می‌نامند؛ درحالی‌که آن‌ها توسط دادگاه محکوم شده‌اند و حقوق خاص خود را برای رفتار محترمانه از دست دادند (هالی^۶، لیبلینگ^۷ و کروو^۸، ۲۰۱۲، ص. ۱۴). در کنار داغ ننگ، مسائل روانی نیز زندانی را رنج می‌دهد. زندانیان دارای تجربیات مثبت یا منفی از محیط زندان هستند که تجربیات منفی بر سلامت روانشان تأثیرگذار است؛ مثلاً بررسی سیستم زندان ایالات متحده نشان داد که ۲۰ درصد از ۱۸۰۰ زندانی (که ۸ درصد آن‌ها در سنین ۴۸ یا بیشتر بودند) زیر فشار قرار گرفتند یا مجبور شدند حداقل یک تماس جنسی ناخواسته داشته باشند (هاسن^۹، مرکت^{۱۰}، ایمبر^{۱۱}، الگر^۱ و وانگمو^۲،

1. Crawley
2. Sparks
3. Bowler
4. Phillips
5. Rees
6. Hullely
7. Liebling
8. Crewe
9. Haesen
10. Merkt
11. Imber

وانگمو^۲، ۲۰۱۹، ص. ۲۱). علاوه بر این، تطبیق با محیط زندان و البته سرپیچی از قوانین آن یک رویداد از زندگی آنان است که می تواند موجب فشار شدید روانی به فرد شود و اغلب موجب نیاز به افزایش منابع روان شناختی برای انطباق با زندان می شود. روند انطباق در زمان از ورود فرد به زندان شروع می شود و تمام مدت در زندان ادامه می یابد. مطالعات مربوط به زمان اولیه در زندان، تأکید بر ناراحتی شدید زندانیان را نشان می دهند که در طول زمان کاهش می یابد (کواز و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۲۴۰).

ارتباطات در زندان مبتنی بر روابط سلطه و قدرت است؛ یعنی گروه های مختلف از نظر ساختاری به هم مرتبط هستند؛ یک گروه می تواند با ظلم و ستم از کسانی که در موقعیت اجتماعی پایین تر هستند، بهره مند شود (پارک^۳ و جفریس^۴، ۲۰۱۸، ص. ۵۸). محیط زندان امید به زندگی زندانی و بهداشت کلی را کاهش می دهد؛ به طوری که پس از سه تا شش ماه امید به زندگی از بین می رود و بسیاری از زندانیان به دلیل خودکشی یا مصرف بیش از حد مواد مخدر جان خود را از دست می دهند (ردون و دورانت، ۲۰۱۹، ص. ۱۳). همچنین پرخاشگری در بین زندانیان بدون شک یک مسئله مهم است و رفتاری است که بین همه انواع زندانیان اعم از مردان، زنان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان (ایرلند^۵، ۱۹۹۹) رخ می دهد (رانک^۶ و هینس^۷، ۲۰۱۵، ص. ۵۰۳).

مسائل مهم زندانیان عبارت اند از: اعتیاد (کامبالبرت و همکاران، ۲۰۱۸)، مسائل بهداشتی از قبیل رفتارهای پرخطر و احتمال انتقال بیماری هایی چون سل، هپاتیت و ... (ایسمیل^۸ و

1. Elger
2. Wangmo
3. Park
4. Jeffries
5. Ireland
6. Ronke
7. Happiness
8. Ismail

ویگینی^۱، ۲۰۱۸؛ کامالبرت و همکاران، ۲۰۱۸)، انواع خشونت و در مواردی قتل (رانک و هینس، ۲۰۱۵؛ کرخام^۲ و بهان^۳، ۲۰۱۶؛ سانچز^۴ و وولف^۵، ۲۰۱۷؛ لیبلینگ^۶، ۲۰۱۷؛ ردون و دورانت، ۲۰۱۹) و افسردگی و اختلالات روانی (آیورسن^۷، سام^۸ و هلویک^۹، ۲۰۱۴؛ بولر و همکاران، ۲۰۱۸؛ هاسن و همکاران، ۲۰۱۹).

یکی از بخش‌های مجزای زندان، بند قتل است. این بند به لحاظ مفهومی دربرگیرنده معنایی است که برای افراد بیرون از زندان، زندانبان‌ها و خود زندانیان محبوس در آن نامنی را ابلاغ می‌کند. لیبلینگ بر این نظر است که زندانیان در این محیط از امنیت خود در محیط کاملاً پیش‌بینی‌ناپذیر و ناامن «محل خطر شدید» می‌ترسند (لیبلینگ، ۲۰۱۷، ص. ۲۴).

زندان در ایران همچون بیشتر کشورها بستری با پیامدهای فردی و روانی برای فرد و خانواده وی است. شیوع بیماری‌هایی از قبیل بیماری‌های عفونی، پوستی، ایدز، تنفسی و خطرناک نظیر هپاتیت و سل، مصرف مواد مخدر، استفاده از سرنگ مشترک برای تزریق در میان زندانیان دیده می‌شود (مهدوی پور، دارابی پناه و شهرانی کرانی، ۱۳۹۶، ص. ۲۹۲). یکی دیگر از پیامدهای مجازات زندان در کشور ما، تحمیل اثرات سوء آن بر فرزندان و خانواده محکوم است که خود مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌ها است و چنین امری برای محکوم و خانواده وی مجازاتی مضاعف محسوب می‌شود (گودرزی و جوانفر، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۲). تأثیرات مخرب جسمی و روانی بر زندانیان، هزینه زیاد اقتصادی و اجتماعی، آموزش جرم به زندانیان جدید مدرسه بزهکاری، عدم بازدارندگی (براساس تحقیقات تجربی)،

1. Viggiani
2. Kirkham
3. Behan
4. Sánchez
5. Wolff
6. Liebling
7. Iversen
8. Sam
9. Helvik

تعارض با اصل شخصی بودن مجازات، طرد اجتماعی زندانی پس از آزادی و... در همه زندانیان به خصوص زندانیان قتل وجود دارد (اسفندیاری بهر آسمان و جوان جعفری بجنوردی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۹).

واکاوی درک و تجربه زندانیان متهم به قتل عمد می‌تواند از ابعادی که به آن اشاره می‌شود، به عنوان مسئله پژوهشی در نظر گرفته شود: اول آنکه یکی از موضوعات زندان به خصوص برای زندانی، میزان تأثیر زندان بر بازسازی فردی و اجتماعی زندانی است. این موضوع در زندانیان متهم به قتل اهمیت زیادی دارد؛ زیرا این افراد تجربه روانی آسیب‌زایی را تجربه می‌کنند و انگ اجتماعی شدیدی را نیز تجربه می‌کنند؛ اینکه زندان تا چه اندازه می‌تواند این افراد را در چارچوب‌های قاعده‌مند نظام اجتماعی تربیت کند، یک موضوع است. از سوی دیگر، حتی اگر فرض بر این باشد که بعضی از قاتلان امید به احتمال بخشش ندارند، دوران تحمل محکومیت در زندان می‌تواند برای فرد زندانی و زندانبانان (مسئولان) دوران خاصی تلقی شود. واکاوی تجربه این افراد می‌تواند برای سیاست‌گذاران زندان و در سطح بالاتر سیاست‌گذاران نظام اجتماعی، هدایتگر تصمیمات و سیاست‌ها باشد. در نهایت اینکه از منظر اخلاقی، زندانی حتی زندانی قاتل، برخوردار از حقوقی است که ورود به تجارب و نیازهای وی در زندان می‌تواند میزان برخورداری از این حقوق را برای ما بازگشایی کند. این سه موضوع مسئله پژوهش حاضر است و از آنجاکه در این زمینه‌ها با خلأ دانش مواجه بودیم، هدف پژوهش حاضر کشف و واکاوی درک و تجربه زندان در میان زندانیان متهم به قتل عمد بود.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

مطالعه درباره تجربه زندان در میان قاتلان محدود است. در اینجا به مطالعات در زمینه زندانیان اشاره می‌شود؛ البته بخشی از آن در مقدمه اشاره شد.

مهدوی پور و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانیان» روی زندانیان زن سه استان زنجان، قم و مرکزی با روش کمی انجام دادند. نتایج نشان داد ۹۲ درصد از زندانیان استفاده از جایگزین‌های حبس را در کاهش آثار مخرب حبس زیاد مؤثر می‌دانند؛ ضمن آنکه بین استفاده از جایگزین‌های حبس با نوع جرم زندانیان، سابقه‌داری و فاصله بازگشت دوباره رابطه وجود دارد. عرفانی، داورنیا و بخشی‌زاده (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر زندان بر تکرار جرم (مورد مطالعه: زندان مرکزی اردبیل)» انجام دادند. روش پژوهش آن‌ها کمی بود و جامعه آماری ۳۹۴ تن از محکومان به جرائم سرقت و مواد مخدر بودند. نتایج نشان داد که یادگیری جرم در زندان و مقدار باقی‌مانده حبس، با تکرار جرم رابطه معناداری دارند؛ به عبارت دیگر، فرد بیشتر با جرائم آشنا می‌شود و بعد از آزادی از زندان دوباره مرتکب جرم می‌شود. سخاوت (۱۳۸۱) پژوهشی با عنوان «بررسی اثر زندان بر زندانی» انجام داد. نتایج نشان داد سه متغیر میزان پیوستگی زندانی با خانواده، با جامعه و تصویر از خود زندانی موجب هم‌نواایی زندانی با جامعه می‌شود. پیرس^۱ و فاندویلا^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «خشونت متمرکز: تأثیر فعالیت‌های جنایی و مدیریت بر خشونت‌های زندان در آمریکای لاتین» نشان دادند که شرایط ضعیف زندان به صورت مستقیم با افزایش خشونت مرتبط نیست؛ بلکه امکانات زندان با فعالیت گسترده‌تر جنایتکارانه در داخل آن و میزان زیاد خشونت‌های زندان رابطه دارد. جفری و چیونرا (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان «محکومیت زندان در کامبوج برای جرم قتل: بررسی روایت‌های داستان زندگی زنان» نشان دادند بی‌ثباتی دوران کودکی، به‌حاشیه رانده‌شدن اقتصادی، جرم و جنایت در محیط زندگی، رابطه با یک مرد و دسترسی محدود به عدالت در بین محکومین مشترک بود. کراولی^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان

1. Peirce
2. Fondevila
3. Crawley

«نگرش غیرمستقیم در زندان‌ها و تأثیرات آن بر زندگی روزمره مردان مسن زندانی» نشان داد که زندانیان در بیشتر زندان‌های انگلستان و ولز درجه‌ای از بی‌فکری سازمانی دارند. همچنین تپلین و لیندا (۱۹۹۰) در یک بررسی روی زندانیان مرد دریافتند که شیوع اختلال روانی در زندانیان قتل ۲ تا ۳ برابر بیشتر از جمعیت عمومی است. آنان درصد شیوع اختلال روانی را ۷۵ درصد به دست آوردند که بیشترین اختلال مربوط به اختلال شخصیت ضداجتماعی بود. (رشید، دلفان بیرانوند و جعفری، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۶). همچنین امام‌هادی، جلیلونند و صالحی نشان دادند که ۳۱/۶ درصد از مجرمان قتل عمد دارای افسردگی بودند. (امام‌هادی و همکاران، ۱۳۵۸، ص. ۱۷۹).

بیشتر مطالعات ذکر شده در چارچوب‌های متفاوت با کشور ما انجام شده‌اند. از سوی دیگر، عموماً با رویکرد کمی انجام شده‌اند. از آنجاکه درک و تجربه اجتماعی بسترمند است و در چارچوب‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت معانی متفاوتی را ابلاغ می‌کند، ضرورت پژوهشی در موضوع درک و تجربه زندانیان متهم به قتل دیده شد.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

با توجه به نبود نظریه‌ها در حوزه قتل، نظریه‌های حوزه آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان حساسیت نظری مطرح می‌شوند. قتل به‌مثابه یکی از اشکال خشونت یا پرخاشگری و به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی و جرم محسوب می‌شود. این جرم یا کج‌روی ماهیتی اجتماعی دارد و بیشتر در تعاملات بین شخصی و بین گروهی رخ می‌دهد که امنیت اجتماعی افراد و گروه‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد. در عرصه تئوری و انتزاعی پدیده قتل را می‌توان از زوایا و ابعاد مختلف زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی کرد. حامیان رویکرد زیستی، کج‌روی را حاصل عوامل ارثی، بدکارکردی غددی، اختلال در کارکرد انتقال‌دهنده‌های عصبی، آسیب‌های مغزی، نارسایی‌های جسمانی و سایر عوامل فیزیولوژیک می‌دانند. روان‌شناسان نیز با تأکید بر عامل فردی، پدیده پرخاشگری را پیامد ناکامی تلقی می‌کنند؛ یعنی یک رویداد ناکام‌کننده این احتمال را افزایش می‌دهد که ارگانسیم

با ممنوعیت مواجه شود و بلافاصله واکنش نشان دهد. از نظر این روان‌شناسان، ناکامی سدکردن راه تلاش‌های کسی برای دستیابی به هدف است. جامعه‌شناسان نیز قتل را امری اجتماعی محسوب می‌کنند و خواهان تبیین جامعه‌شناختی آن هستند (یعقوبی چوبری، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۸).

از صاحب‌نظران نظریه هم‌نشینی و یادگیری ساترلند^۱ است. براساس دیدگاه ساترلند می‌توان استنباط کرد که معمولاً هر فردی در جامعه و محیط اجتماعی با دو نوع اعمال مواجه می‌شود: نخست رفتارها و اعمال سالم و صحیح و متناسب با هنجارها؛ به عبارت دیگر هر فرد می‌تواند با عقل و اراده و انتخاب خویش گرایش به اعمال و کنش‌های هنجارمند داشته باشد؛ دوم اینکه برخی از افراد به‌عنوان مثال سارق‌ها اعمال و کنش‌های هنجارشکن و مجرمانه در جامعه، خانواده و ... از خود بروز می‌دهند. هر فردی در طول حیات خود و در ارتباط با دیگران ارزش‌ها و هنجارها را فرامی‌گیرد، اما جهت این فراگیری (اطاعت از هنجارها و قوانین یا سرپیچی از آن‌ها) بستگی به آن دارد که آن‌ها از چه کسی می‌آموزند؛ به این صورت که رفتار انحرافی در نتیجه تماس با خرده‌فرهنگ‌های انحرافی و جدایی از تأثیرات ضد انحرافی رخ می‌دهد که این فرایند متضمن ماهیت وضعیت و کیفیت حضور فرد در آن است؛ مثلاً از این منظر با تغییر جایگاه آدمیان می‌توان به تنوع نقش‌های بهنجار و انحرافی نگریست که چگونه از فقدان انحراف و از معاشرتی بودن به انزوا می‌گرایند (محمدی، شیری، معدنی و ابراهیم، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۳).

اروین گافمن^۲ برای نخستین بار نظریه انگ یا استیگما را مطرح کرد که به معنای ویژگی منفی و نامطلوبی در یک فرد است که او را از دیگران متمایز می‌کند. وی معتقد است که داغ ننگ بی‌اعتباری علاوه بر فرد، خانواده وی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. داغ ننگ یک ویژگی به شدت بی‌اعتبارکننده است که مبتنی بر پندارهای قالبی، فرد دارای آن ویژگی، در ذهن

1. Satherland

2. Goffman

دیگران از یک فرد معمول و کامل به فردی خدشه‌دار شده تنزل پیدا می‌کند. این ویژگی و تصورات منفی دیگران از آن به رفتار اجتنابی یا تبعیض‌آمیز در قبال فرد داغ‌نشان می‌انجامد. برخی از ویژگی‌های بی‌اعتبارکننده (از جمله مجرمیت و حبس) دارای کیفیتی «چسبنده» هستند؛ یعنی از فرد داغ‌خورده (زندانی و قاتل و ...) به افراد نزدیک و خانواده وی و به‌ویژه خویشاوندان انتقال می‌یابند. داغ‌ننگ دارای چهار ویژگی اساسی «تنزل ارزش»، «برچسب‌زنی»، «کلیشه‌های منفی» و «تبعیض» است و سه نوع داغ‌ننگ تعریف شده است: «داغ‌ننگ ساختاری»، «داغ‌ننگ عمومی» و «داغ‌ننگ مرتبط با وابستگی». داغ‌ننگ ساختاری به نبود تعادل و بی‌عدالتی در نهادهای اجتماعی اشاره دارد. داغ‌ننگ عمومی، نگرش‌های منفی عموم جمعیت به گروه داغ‌نشان را توصیف می‌کند و داغ‌ننگ مرتبط با وابستگی، تبعیض ناشی از ارتباط داشتن با افراد داغ‌خورده تعریف می‌شود. یکی از اشکال داغ‌ننگ مرتبط با وابستگی، داغ‌ننگ خانواده زندانیان است؛ یعنی این بحث که حبس صرف‌نظر از سازوکار سازمانی زندان و مکانیزم جدایی فیزیکی اعضای خانواده - که به تغییر نقش‌های جنسیتی، تغییر شخصیت زندانیان و مشکلات اقتصادی می‌انجامد - قادر است از طریق کارکرد داغ‌ننگ بر کیفیت روابط اعضای خانواده زندانیان مؤثر باشد و همچنین فرد زندانی نیز از این داغ‌خوردگی رنج می‌برد (اعظم‌آزاده و مشتاقیان، ۱۳۹۶، ص. ۴۸).

همچنین مفهوم محوری نظریه فشار-محرومیت یا نظریه فشار عمومی، تنظیم اجتماعی است. نظریه پردازان فشار معتقدند که تنظیم اجتماعی منبع فشار بر افراد است که می‌تواند در برخی حالت‌ها به خشونت‌های مرگبار منجر شود. رفتار انحرافی یا کج‌رفتاری در نظریه مرتون نتیجه تضاد و ناسازگاری بین اهداف فرهنگی تعریف می‌شود و ابزارهای نهادینه‌شده (مشروع) به منظور به‌دست آوردن آن اهداف در نظر گرفته می‌شوند. اگنیو نابرابری اقتصادی را به عنوان منبع ساختاری فشار تشخیص می‌دهد که به انسداد سطح مطلق اهداف فرد و همچنین افزایش احساس محرومیت نسبی منجر می‌شود و در نهایت اثری مستقیم بر میزان‌های افزایشی جرم می‌گذارد. روزنفلد و مستر مفهوم بی‌هنجاری نهادی را که اشاره به

نمود تعادل بین عناصر فرهنگی و ساختار اجتماعی یک جامعه دارد، موجب افزایش خلاق و خوی «درندگی» آن جامعه و افزایش جرم می‌دانند (مالمیر، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۵).

در اواخر قرن بیستم شاهد ظهور جامعه‌شناسانی هستیم که با طرح پرسش‌هایی جدید در حوزه جرم، به جست‌وجوی یافتن پاسخ برای آن‌ها برآمدند. آرای این دسته از جامعه‌شناسان با عنوان نظریه‌های کنترل بحث می‌شود. نظریه آن‌ها ترکیبی از عوامل ساختاری و عوامل فردی است. براساس نظریه آنان، بازپروری و اصلاح مجرمان نیازمند حفظ مجموعه‌ای از پیوندهای اجتماعی با خانواده، جامعه یا نهادهای اجتماعی است و از سوی دیگر مستلزم رشد مجموعه‌ای از خصیصه‌های فردی است. به نظر جامعه‌شناسان مکتب کنترل برای جلوگیری از تخلف و جرم این کافی نیست که به عوامل همراه با جرم توجه شود؛ بلکه برعکس شناخت عوامل مؤثر در حفظ و تداوم درست رفتاری اهمیت بیشتری دارد. جامعه‌شناسان نظریه کنترل به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش هستند که چرا همه کسانی که دچار تنش روانی می‌شوند و زیر فشارهای ساخت اجتماعی قرار می‌گیرند، دست به کج‌روی نمی‌زنند. پاسخ آنان به چگونگی تضعیف کنترل‌های اجتماعی و تضعیف حفاظ‌های درونی برمی‌گردد. از جمله پیشگامان این نظریه البرت جی. رایس است که می‌گوید انحراف از هنجارها زمانی پیش می‌آید که هنجارها و قواعد رفتار در فرد درونی نشود یا قواعد و شیوه‌های اجرایی آن‌ها در جامعه شفاف نباشد یا دچار تضاد باشد. والتر سی. رکلس از دیگر جامعه‌شناسان این مکتب است که به مجموعه‌ای حفاظ‌های بیرونی مانند داشتن یک نقش اجتماعی معنی‌دار در جامعه اشاره می‌کند. از نظر وی درونی‌کردن مجموعه‌ای از حفاظ‌های درونی مانند تصویر از خود مطلوب، هدف داشتن، تحمل ناکامی و اعتقاد به هنجارهای اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است (سخاوت، ۱۳۸۱، ص. ۱۰).

مفهوم نظام سراسر متعلق به بین با اندیشه فوکو ارتباط تنگاتنگی دارد. «هندسه ساده و مقتصدانه زندان‌های مطمئن را جایگزین سنگینی زندان‌های امن قدیمی با آن معماری قلع

هوارشان کرد» (فوکو^۱، ۱۳۷۸، ۲۵۲). زندان در نظریه فوکو نهادی است که نوع کالبد و رفتار زندان بانان مبتنی بر کنترل و نظارت دقیق بر زندانی است. هدف غایی این نظارت انضباط است؛ بنابراین زندان نهاد انضباط است. «انضباط، نهاد نیست؛ بلکه تکنیک است. این تکنیک در برخی نمادها به طور کامل و سراسری به کار گرفته می‌شود؛ درحالی‌که در نهادهای دیگر برای رسیدن به مقاصد خاصی به کار می‌رود. انضباط صرفاً جانشین اشکال دیگر قدرت موجود در جامعه نمی‌شود؛ بلکه آن‌ها را محاصره و استعمار می‌کند» (حامدی و رضوی، ۱۳۹۵، ص. ۷). فوکو در این اثر بر این باور است که در شیوه‌های مراقبتی و کیفی ماقبل مدرن روش‌های وحشیانه شکنجه و آزار بدنی به کار می‌رفت، اما به تدریج از قرن هیجدهم به بعد مجازات‌های بدنی جای خود را به مجازات‌های ظریف روانی داد و استقرار این نوع از مراقبت و تنبیه که به شیوه‌ای مستمر و با استفاده از تکنیک‌های انضباطی مبتنی بر محصورسازی و سازوکارهای بی‌نهایت تعمیم‌پذیر سراسرینی انجام می‌پذیرد، زمینه را برای شکل‌گیری یک جامعه انضباطی فراهم کرد که در آن، تأثیرات قدرت تا ظریف‌ترین و دورترین زوایای زندگی آدمی نفوذ می‌کند (اسمارت^۲، ۱۹۹۳، ص. ۹۹)؛ در نتیجه، ظهور چنین شکلی از قدرت این نیاز را ایجاد کرد که بدن به نحو دقیق‌تری شناخته شود و با فهمیدن نحوه کارکرد آن، به نحو اثربخش‌تری تحت انقیاد قرار گیرد. این بنیان‌های سلطه که مبتنی بر دانش و نوعی خصلت تأدیبی است، همان است تکنولوژی سیاسی بدن است که در آن بدن به صورت مستقیم در حوزه سیاسی قرار می‌گیرد و در نتیجه، انسان به‌عنوان فاعل دانایی، محصول همین سلطه دانسته می‌شود (فوکو، ۱۹۸۰، صص. ۸۵-۸۶).

با توجه به نظریه‌های مطرح‌شده، آسیب‌های اجتماعی مثل قتل و به‌دنبال آن زندانی شدن نه تنها مسئله‌ای فردی نیست؛ بلکه به ساختارها و نهادهای اجتماعی‌ای برمی‌گردد که فرد را

1. Foucault
2. Smart

شکل می دهند. طرح مباحث نظری ذکر شده به پژوهشگران تحقیق حاضر نوعی حساسیت مفهومی و نظری برای ورود به بستر پژوهش ایجاد کرد.

۳. روش تحقیق

رویکرد پژوهش حاضر که در سال ۱۳۹۴ انجام شد، کیفی است. میدان مطالعه بند قتل زندان عادل آباد شیراز بود. برای دسترسی به میدان مطالعه هماهنگی های لازم از طریق مراجع ذی صلاح انجام گرفت. بعد از ورود به بند با افراد گفت و گو شد و کسانی که به همکاری تمایل داشتند، با روش نمونه گیری هدفمند در تحقیق مشارکت داده شدند. جمع آوری داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. در کنار سایر سؤال هایی که اهداف اصلی تحقیق را دنبال می کرد، یکی از سؤال های مرتبط با پژوهش حاضر این بود: «لطفاً برای ما در رابطه با تجربه زندان خود بگویید. زندان برای شما چه معنایی دارد و با چه مسائل و مشکلاتی در زندان مواجه هستید؟» با توجه به پاسخ مشارکت کنندگان، محقق خرده سؤال ها را در حین مصاحبه می پرسید. داده ها به منظور تحلیل روی کاغذ نوشته شدند.

روش تحلیل در تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت و کیفیت آن روش تحلیل مضمونی است. تحلیل مضمون در این دسته جای می گیرد؛ از این رو ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده های پیچیده و مفصل می توان از آن استفاده کرد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). تحلیل مضمون را می توان یکی از روش های بنیادین تحلیل کیفی در نظر گرفت که با سایر روش های تحلیل که به دنبال تشریح الگوهای داده های کیفی هستند، مانند روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، نظریه داده بنیاد، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا فرق دارد (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ زاده، ۱۳۹۰). به عقیده براون و کلارک (۲۰۰۶)، در تحلیل مضمون در صورتی که پژوهشگر نخواهد به نظریه کامل برسد، نیازی ندارد به اصول نظریه داده بنیاد پایبند باشد. ضمن اینکه در نظریه داده بنیاد، تحلیل از منبع داده شروع می شود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می یابد، ولی در تحلیل مضمون، همه منابع داده بررسی

می‌شود و مضامین کل داده‌ها تحلیل و تفسیر می‌شود. به‌طور کلی تحلیل مضمون به‌دنبال استخراج مضامین و مفاهیم موجود در متن است و شبکهٔ مضامین که در پایان ساخته می‌شود، به ساختار دادن به این مضامین منجر می‌شود.

روش تحلیل مضمون انواع مختلف دارد که در این پژوهش ترکیبی از روش پیشنهادی کینگ و هاروکس (۲۰۱۰)، براون و کلارک (۲۰۰۶) و آتراید-استیرلینگ (۲۰۰۱) فرایند گام‌به‌گام و جامعی به‌منظور تحلیل مضمون ارائه می‌شود. در این پژوهش، فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله، شش گام و بیست اقدام معرفی می‌شود. فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحلهٔ کالن تقسیم کرد: الف- تجزیه و توصیف متن، ب- تشریح و تفسیر متن و ج- ادغام و یکپارچه‌کردن مجدد متن. درحالی‌که همهٔ این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است، در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به دست می‌آید (آتراید-استیرلینگ، ۲۰۰۱). گام‌های شش‌گانهٔ تحقیق حاضر به‌صورت زیر انجام شده است:

گام اول: آشناسدن با داده‌ها؛ متن رونویسی‌شدهٔ هر مصاحبه چندین بار خوانده می‌شود تا محقق با عمق و غنای محتوای آن‌ها آشنا شود. غرق‌شدن در داده‌ها مستلزم مطالعه و مرور مکرر داده‌ها به روشی فعال است.

گام دوم: ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری گام دوم زمانی آغاز می‌شود که محقق داده‌ها را مطالعه کرده باشد و با آن‌ها آشنا باشد. همچنین فهرستی اولیه از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات جالب آن‌ها تهیه می‌شود. در این گام، از کدها برای تقسیم داده‌های متنی به قسمت‌های فهم‌شدنی و استفاده‌پذیر مانند بند، عبارت، کلمه یا سایر معیارهایی که برای تحلیل خاص لازم است، استفاده می‌شود.

گام سوم: جست‌وجو و شناخت مضامین گام سوم وقتی شروع می‌شود که همهٔ داده‌ها کدگذاری اولیه شده باشند و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعهٔ داده‌ها شناخته شود. این گام به تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدها تمرکز دارد.

گام چهارم: این گام عبارت است از ترسیم شبکه مضامین با استفاده از مضامینی که در گام قبل شناخته شد. در این گام به تشکیل شبکه مضامین می‌پردازیم. در این گام محقق درمی‌یابد که برخی مضامین پیشنهاد شده با یکدیگر همپوشانی دارند؛ بنابراین باهم ترکیب می‌شوند و بعضی مضامین نیز به مضامین جداگانه‌ای تفکیک می‌شوند.

گام پنجم: تحلیل شبکه مضامین این گام وقتی شروع می‌شود که محقق به شبکه‌های مضامین رضایت بخشی برسد. در این گام مضامین به دست آمده برای تحلیل داده‌ها، نام‌گذاری، تعریف و تعدیل می‌شوند.

گام ششم: تدوین گزارش این گام وقتی آغاز شود که مجموعه کاملی از مضامین نهایی فراهم شود. در این مرحله محقق به تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق می‌پردازد. به منظور اعتبار تحقیق حاضر تلاش شد به چهار موضوع ذیل در فرایند تحقیق توجه شود که عبارت‌اند از:

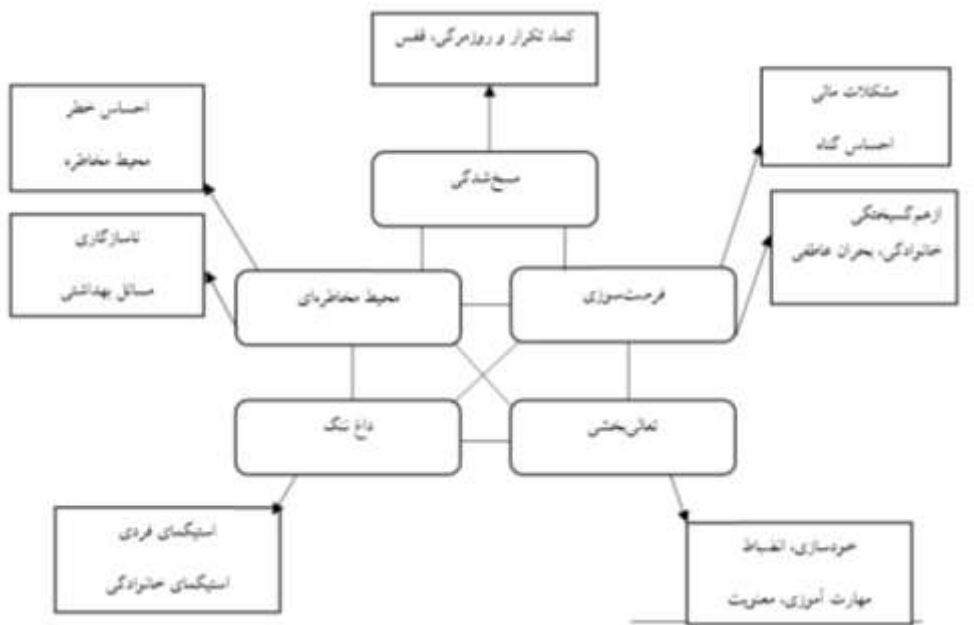
اعتبارپذیری: انجام دقیق مراحل تحقیق و ارائه دقیق نتایج بدون هیچ سوگیری. تلاش شد یافته‌های تحقیق و مضامین استخراج شده براساس محتوای گفته‌های مشارکت‌کنندگان باشد؛ قابلیت انتقال: دیگر پژوهشگران نیز بتوانند از نتایج تحقیق بهره ببرند. تلاش شد مضامین مطرح شده به گونه‌ای باشد که سایر مخاطبان نیز معنایی مشابه در این زمینه استنباط کنند. در این زمینه از تأیید اعضای گروه مشارکت‌کننده^۱ استفاده شد؛ قابلیت اطمینان: انجام دادن دقیق مرحله به مرحله پژوهش از ابتدا تا انتهای پژوهش.

۴. یافته‌های تحقیق

از تحلیل داده‌ها، ۳۵ مفهوم و از دل مفاهیم ۱۸ مقوله و از بین آن‌ها ۵ مضمون استخراج شد. پنج مضمون کلان از تحقیق حاضر شناسایی شد که عبارت‌اند از: مسخ‌شدگی، محیط

1. member check

پرمخاطره، داغ ننگ، فرصت‌سوزی و تعالی‌بخشی. شکل ۱ شبکه مضامین پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱- شبکه مضامین تجربه زندان در میان متهمان به قتل عمد

سرخ‌شدگی

زندان محیطی بی‌رسم، یکنواخت و تکراری، بدون برنامه و بی‌هیچ‌امیدی است که فرایندهای ذهنی زندانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مشارکت‌کنندگان فضای زندان را رو به جمود تعریف می‌کردند که شب و روز آن یکنواخت است و خوابیدن تنها مشغله زندانی است. هیچ نوع حس زندگی وجود ندارد و فرد چون نفس می‌کشد تصور می‌کند که زنده است. سه نفر از مشارکت‌کنندگان تعبیر «قفس»، «گور» و «کما» را برای زندان به کار بردند که حاکی از تکراری بودن و مسخ‌شدگی در زندان بود. به تعبیر پاسخگویان، در زندان افراد فقط خواب هستند تا روزگار بگذرد.

- «زندان یه قفسه. زندان مثل اینه که یه حیوان رو کرده باشن در قفس. هیچی هم دستت نمی آید و دستت به جایی بند نیست». (منصور ۳۵ ساله)

فرد زندانی هیچ درکی از زیستن در این جهان ندارد و به اجبار درگیر زندگی کسالت بار و به دور از هرگونه تنوع و امیدی است. کاری از دست زندانی بر نمی آید. او می خواهد برای خود و خانواده اش کاری انجام دهد، اما توان انجام دادن آن را ندارد. چنین فردی از نظر روحی خود را در حد یک حیوان می پندارد که هیچ کار مفیدی نمی تواند انجام دهد و در قفس زندانی است.

- «زندان، خوب بهش میگن: قبرستان زنده به گورها. اینجا زنده به گور هستی. تو قبری، اما زنده ای و هیچ فرقی هم نمی کنه». (محمد ۲۷ ساله)

بنابراین زندانی هیچ درکی از زیست و حیات ندارد. روز و شب او به بی بطالتی می گذرد و تصور می کند که فرقی با یک مرده ندارد.

- «زندان یعنی ضلالت و زندانی یک مرده متحرک است». (رضا ۵۳ ساله)

محیط پرمخاطره

زندان و به طور خاص بند قتل دربرگیرنده بستری با فرهنگ خاص خود است. در این بستر قاتلان حرفه ای که عموماً قتل عمد انجام داده اند، برای خود دار و دسته تبهکار تشکیل داده اند. تازه واردها باید از قوانین این دسته ها تبعیت کنند؛ در غیر این صورت درگیر خشونت می شوند که ممکن است به قیمت جانشان تمام شود. مسخ شدگی از یک سو و فضای مخاطره آمیز از سوی دیگر باعث می شود که در این محیط هرکس به فکر بقای خویش باشد. این شرایط باعث می شود که تکانه های خشونت همیشه وجود داشته باشد.

- «من ۵ سال تو بند ۱۰ حبس بکشم و بعد منو بدهند بند ۱۱، می شم تازه وارد و باید از اون در شروع کنم؛ مگر اینکه مسئول اتاقش رفیقم باشه یا آشنایی از بیرون باهام داشته باشه یا از بیرون منو بشناسه که پیام بالا بخوابم؛ وگرنه باید از دم جاکفشی شروع کنم تا طرف آزاد بشه و من پیام بالاتر. پدر و پسر و برادر با برادر اینجا باهم نمی سازند. اینجا آهو به

بچه‌اش شیر نمی‌ده. اینجا همه من هست و نیم من نیست. قانونش اینه و اگه ۴ تا قُمپوز هم پیشش باشه که دیگه واویلا. باید تیزی درست کنی و آماده بگذاری یا تو خواب نزنند.» (فرید ۳۶ ساله)

در کنار مخاطره‌های جسمی و خطرات تهدیدکنندهٔ جان، دیگر موضوع پرمخاطره زندان محیط آلوده و غیربهداشتی آن است. چون محیط بسته است و افراد بسیاری در یک محیط کوچک زندگی می‌کنند، انواع بیماری‌های واگیردار مانند هیپاتیت، سرماخوردگی و ... وجود دارد. همچنین چون بیشتر افراد در آنجا دچار اعتیاد هستند، استفاده از سرنگ مشترک نیز باعث انتقال بیماری به دیگر زندانیان می‌شود. حتی غذای زندان نیز کیفیت لازم را ندارد و ممکن است افراد را مریض کند. حمید ترکیبی از مخاطرات بهداشتی در زندان را چنین بیان می‌کند:

«اگر خدایی ناخواسته شما پاتو تو بند بگذاری، می‌بینی. این قدر سیگار می‌کشند، محیط بسته با سقف کوتاه و ۷۰۰، ۸۰۰ نفر آدم و همه جور مریضی هست. هیپاتیت هست، HIV هست، مریضی‌های دیگه هست و کم‌کمش و ویروس سرماخوردگی هست. بین تو این هوا که هواخوری هم بسته است، وضعیت غذای زندان هم مصیبت هست. جسارت نباشه، اما بگذار با شما خودمانی صحبت کنم؛ این غذا رو اگه جلو گربه هم بریزی نمی‌خوره.» (حمید ۵۰ ساله)

فرصت‌سوزی

زندان به مثابه محیطی است که در آن فرصت‌سوزی اتفاق می‌افتد. فرد هیچ برنامه‌ای ندارد، بلا تکلیف است و راجع به امورات خانواده‌اش نیز کاری نمی‌تواند انجام دهد. افرادی که به جرم قتل در زندان به سر می‌برند، حال چه محکوم به قصاص باشند یا حبس ابد، باز همهٔ زندگی خود را ازدست‌رفته می‌دانند و به روزهایی فکر می‌کنند که می‌توانستند زندگی کنند، اما در پشت میله‌های زندان گرفتار شده‌اند. در واقع فرد زندانی خود را از دیگران و همسرن‌وسالان خود عقب می‌داند.

- «اینکه از زندگی و از هم‌سن‌وسال‌های خودت عقب میفتی. این‌ها فکر نداره؟ یک جوونی که سه سال از عمرش رو تو این خراب‌شده بذاره، فکر نداره؟ مخصوصاً من که ۱۸، ۱۹ سالم بوده که اومدم داخل». (رضا ۲۱ ساله)

زندانیان خانواده‌دار مشکلات بیشتری دارند. درک آن‌ها از فرصت‌سوزی بسیار متفاوت است؛ چراکه نه تنها خودشان درگیر مسئله هستند، بلکه خانواده آن‌ها نیز با مشکلات ناشی از زندانی شدن آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنند. فرصت‌هایی که می‌توانست فرد زندانی بر سر خانواده‌اش باشد و به نیازهای فرزندانش پاسخ گوید، در زندان دارد از بین می‌رود. بعضی از آن‌ها دچار ازهم‌گسیختگی خانواده و بحران عاطفی شده‌اند. همواره به این فکر می‌کنند که در بیرون زندان خانواده آن‌ها بدون سرپرست چگونه زندگی را می‌گذرانند. فرصت‌هایی را که می‌توانستند با همسر و فرزندشان بگذرانند از دست داده‌اند؛ به همین دلیل طبق گفته‌های خودشان برخی حتی دچار بیماری روانی می‌شوند و با خودشان صحبت می‌کنند.

- «اینکه هیچ کاری نمی‌تونم برای زن و بچه‌ام انجام بدم. هر وقت که با بچه‌م حرف می‌زنم، به جای اینکه آروم‌تر بشم، بدتر می‌شم. خب بچه است و می‌گه: بابای فلانی باباش اینو براش گرفته و من ناراحت می‌شم. تازگی‌ها هم که مدرسه‌ها شروع شده و اون روز می‌گفت: همه باباهاشون میارنشون، اما تو نیستی که منو ببری و این چیزا آدم رو ناراحت میکنه» (علیرضا ۲۷ ساله)

داغ‌ننگ

زندان مکانی است که هویت جدیدی به افراد می‌دهد. زندانی انگ بدنامی و متهم می‌گیرد و بیش از همه زندانیان از تأثیرات این انگ بر خانواده خود نگران هستند.

- «اسمت که زندانی و مجرم است. الان همه ما رو به چشم متهم نگاه می‌کنند. هر جا که تماس می‌گیریم، حتی پیش شما هم می‌آییم؛ حتی اگه یک جرم کوچک هم کرده باشی، ولی پیش رئیس و رؤسا که می‌ریم، می‌گویند که شما جرم کرده‌اید. بیرونم که با اینجا مقایسه می‌کنم، چون بیرون همش با پیمانکارها بودم و با آدم‌های بزرگی می‌نشستم و بلند می‌شدم،

همه احترامام رو داشتند. چند تا کارگر داشتیم و کار می‌گرفتیم. هر جا زنگ می‌زد، به فامیلی صدام می‌کردند». (جمشید ۳۲ ساله)

آن‌ها به خوبی آگاه هستند که همچنین تأثیر این انگ بر زندگی خانوادگی زندانیان ازهم‌پاشیده وجود دارد و فرزندان آنان در جامعه نمی‌توانند مانند افراد عادی زندگی کنند؛ چون علاوه بر کمبودهای مالی و عاطفی، به خاطر نبود پدر، انگ فرزند قاتل و زندانی نیز به آن‌ها زده می‌شود و از بسیاری از پیشرفت‌های اجتماعی بازمی‌مانند. در واقع برخی زندانیان می‌گویند که قبلاً زندگی خوبی داشته‌اند و هرگز فکرش را نمی‌کرده‌اند که روزی انگ قاتل به پیشانی آن‌ها بخورد. حال فرایند پذیرش فرهنگ زندان با انتقال وضعیت زندانی و از طریق تغییر هویت او یعنی از آنچه در بیرون بوده است و به یک زندانی تبدیل شده است، آغاز می‌شود. این تغییر و انتقال بلافاصله اتفاق می‌افتد و این برچسب هم بر خود فرد و هم برای خانواده وی است.

- «به این فکر می‌کنم که بعد از اعدام خانواده‌ام بیشتر زجر می‌کشند؛ مثلاً بچه‌ام که میره بیرون می‌گن بابای این بود که آدم کُشت و اعدامش کردند. این چیزها خیلی بد است و برای زن و بچه‌ام بیشتر از این‌ها ناراحت هستم. اون‌ها الآن که زجر می‌کشند، بعدش بیشتر زجر می‌کشند. هر جا که بروند می‌گن که شوهر یا پسر فلانی بود که اعدامش کردند و این چقدر زشت است». (وحید ۴۶ ساله)

تعالی‌بخشی

زندادان با همه مشکلاتش برای برخی از زندانیان به مثابه دانشگاهی است که شرایطی را فراهم می‌کند که تغییرات مثبت و بنیادین در زندگی خود به وجود آورند.

- «خیلی چیزهایی که بلد نیستی اینجا بلد می‌شی و یک دانشگاهی است که برای همه جور چیزی می‌شه ازش استفاده کرد». (امیر، ۳۵ ساله)

افراد با این نگاه تلاش می‌کنند که محیط راکد و کسالت‌بار را به محیطی برای خودسازی تبدیل کنند. این افراد نقش تنبیهی و تأدیبی زندان را مثبت تلقی می‌کنند و تلاش می‌کنند

زندان را از محیط مسخ کننده به محیطی برای برنامه ریزی برای آینده تبدیل کنند. آن‌ها امید به بخشش دارند و به همین دلیل برای زندگی بعد از زندان خود برنامه ریزی می کنند. در زندان از اشتباهات گذشته درس عبرت می گیرند و برای زندگی بهتر برای خود و خانواده شان تلاش می کنند. علی یکی از افراد موفق در این زمینه است که درباره پیشرفت های خود در زندان می گوید:

- «من زمانی که وارد زندان شدم، مدرک دوم راهنمایی داشتم و بعد شروع کردم به درس خواندن و تا پیش دانشگاهی رو گرفتم؛ یعنی پنج سال من اینجا درس خوندم و نزدیک به ۳۰، ۴۰ تا مدرک فنی گرفتم. چهار سال اول حبسم تو کتابخانه مرکزی زندان عادل آباد مشغول به کار بودم؛ یعنی شبانه روز من مشغول کتاب خواندن بودم. باورت می شه که چند سال اول من فقط به خودم فکر می کردم و داشتم آینده سازی برای خودم می کردم و کاری به حبس و پرونده ام نداشتم؟ برنامه ریزی برای آینده می کردم که آزاد بشم چه کاری انجام بدم. هر شب به مدت یک تا دو ساعت مطالعه می کردم تو خود کتابخانه. شدم مسئول بایگانی و بعد یواش یواش شدم مسئول کتابخانه». (علی، ۳۰ ساله)

نقش مثبت دانشگاه تاحدی است که بعضی از مشارکت کنندگان معتقد بودند افراد باید حتی در صورت متهم نبودن زندان را تجربه کنند تا از تأثیر مثبت آن بر زندگی خود بهره برداری کنند.

- «آقا هر انسانی که بیاد، من می گم از مکه هم واجب تره؛ یعنی اون هایی که می خوان برن مکه اول باید یک ماه بیان زندان و بعد آزادش کنن تا بره». (منصور ۳۵ ساله)

دومین بعد تغییر مثبت زندان، معنویت گرایی زندانی و بازگشت به خداست. تجربه زندان برای وی ایجاد پلی ارتباطی با خداست. در این حالت افراد از گناه خود پشیمان اند و طلب مغفرت از خداوند را دارند. آن‌ها با انجام اعمال معنوی در واقع به نوعی آرامش درونی دست می یابند. دلیل این امر هم وقت آزاد زندانیان است و هم اینکه احساس می کنند با زندان تاوان گناه خویش را می پردازند و از خداوند طلب بخشش دارند و این حس معنویت آنان

بیشتر از زندگی بیرون از زندان است. در واقع این خودسازی باعث پیشرفت آن‌ها در زندگی می‌شود.

- «شاید به خاطر گناهایی که قبلاً کرده‌ام باشه. احساس می‌کنم که دارم تاوان یک کاری رو پس می‌دهم؛ البته خیلی‌ها هم هستند که بی‌گناه زندان هستند. خوشحال هستم؛ چون آدم اینجا بیشتر به خدا نزدیک می‌شه و از زندان آمدنم ناراحت نیستم؛ چون بیرون که بودم، این قدر خدا رو درک نمی‌کردم». (سجاد ۳۸ ساله)

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحقیق حاضر در پی واکاوی و کشف معنا و تجربه زندان نزد زندانیان متهم به قتل عمد در زندان بود. نتایج تحقیق در قالب پنج مضمون اصلی مسخ‌شدگی، محیط پرمخاطره، داغ ننگ، فرصت‌سوزی و تعالی‌بخشی ارائه شد. می‌توان گفت که ساختار زندان یک محیط و ساختار نسبتاً یکسانی برای این افراد دارد و با اینکه همه آن‌ها متهم به قتل هستند، تجارب متفاوتی را در بستر مشابه دارند. این تجارب متفاوت گویای نقش عاملیت در برساخت چنین تجربیات متفاوتی است. افرادی که در درون زندان تلاش کرده‌اند که نوعی خودسازی داشته باشند تا حدود زیادی توانسته‌اند به اهداف خود دست پیدا کنند و مسیر تعالی‌بخشی را طی کنند. در سوی دیگر طیف نیز کسانی که در همان چارچوب خرده‌فرهنگ خود (قبل از زندان) زیست می‌کردند، احساس مسخ‌شدگی و روزمرگی و تکرار داشتند. بستر زندان برای گروه نخست فضایی برای اصلاح و ارتقا و برای گروه دوم چیزی جز فرصت‌سوزی زندگی معنا نمی‌شد؛ با وجود این، بستر زندان تجربه مشترک داغ ننگ و محیط پرمخاطره برای هر دو گروه داشت.

از آنجاکه در تحقیق حاضر دو گروه قتل عمد و قتل غیرعمد در بندهای مشابه نگهداری می‌شدند، غیرعمدی‌ها از هم‌بندی با عمدی‌ها احساس خوشایندی نداشتند. این وضعیت باعث بروز اختلالاتی چون ترس، احساس تنهایی و افسردگی در آن‌ها شده بود. مسائل

زندانیان فقط به موضوع درون زندان مربوط نبود، بلکه نگرانی‌هایی که زندانی برای خانواده‌اش دارد از دیگر مشکلات است. زندان به شکل‌گیری کمبودهای عاطفی در فرد زندانی و وابستگی‌اش و حتی جدایی در برخی موارد انجامیده است. از سوی دیگر داغ ننگ زندان خانواده متهم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و باعث آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای خانواده فرد و فرزندان وی در بیرون از زندان می‌شود؛ با وجود این، این تحقیق نشان داد که زندان می‌تواند تغییرات بزرگ و مثبت در فرد به وجود آورد.

زندان به مثابه محیطی پرمخاطره برای متهمان به قتل در این پژوهش مشابه با یافته‌های سایر محققان بود که در آن اعتیاد (کامبالبرت و همکاران، ۲۰۱۸) مسائل بهداشتی از قبیل رفتارهای پرخطر و احتمال انتقال بیماری‌هایی چون سل، هپاتیت و ... (ایسمایل و ویگینی، ۲۰۱۸؛ کامبالبرت و همکاران، ۲۰۱۸)، انواع خشونت و در مواردی قتل (رانک و هپینس، ۲۰۱۵؛ کرخام و بهان، ۲۰۱۶؛ سانچز و وولف، ۲۰۱۷؛ لیبلینگ، ۲۰۱۷؛ ردون و دورانت، ۲۰۱۹) و افسردگی و اختلالات روانی به عنوان مسائل پرمخاطره زندان تلقی شده بود.

همچنین یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که زندانیان فرصت‌سوزی را یکی از مشکلات نامطلوب زندان تلقی می‌کنند و این یافته با نتایج پژوهش مهدوی‌پور و همکاران (۱۳۹۶) همسو بود؛ زیرا پژوهش آن‌ها داد که ۹۲ درصد از زندانیان استفاده از جایگزین‌های حبس را در کاهش آثار مخرب حبس زیاد مؤثر می‌دانند. همچنین از دیگر نتایج تحقیق حاضر محیط مخاطره‌آمیز است که با نتایج تحقیقات ایسمایل و ویگینی (۲۰۱۸)، کامبالبرت و همکاران (۲۰۱۸)، ایسمایل و ویگینی (۲۰۱۸) و استراپ (۲۰۱۸) همسو بود؛ زیرا افرادی که مرتکب قتل می‌شدند، در زندان محیط نامناسبی را تجربه می‌کردند.

نتایج پژوهش در رابطه با محیط مخاطره‌آمیز زندان برای زندانیان و خشونت موجود در آن با یافته‌های پژوهش‌های رانک و هپینس (۲۰۱۵)، کرخام و بهان (۲۰۱۶)، سانچز و وولف (۲۰۱۷)، لیبلینگ (۲۰۱۷)، ردون و دورانت (۲۰۱۹) و پیرس و فاندوایل (۲۰۱۹) همسو بود که بیان کرده‌اند امکانات زندان با فعالیت گسترده‌تر جنایتکاران در داخل محیط زندان رابطه

دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که محیط مناسب زندان می‌تواند باعث ایجاد تغییرات مثبت در افراد شود که این یافته با نتایج پژوهش کراولی (۲۰۰۵) همسو بود. شرایط خوب محیط زندان و رفتار درست زندانبان‌ها و کمک به آنان می‌تواند تغییرات مثبت در آنان ایجاد کند.

به لحاظ نظری می‌توان گفت که در نظریه فوکو آنچه او درباره شیوه‌های مراقبتی و کيفری زندان مدرن می‌گوید مبنی بر اینکه مراقبت‌های بدنی جای خود را به مراقبت‌های روانی داده‌اند، تاحدودی در پژوهش حاضر به دست آمد. مسخ‌شدگی برساخت‌شده در تحقیق دال بر این است که زندان (چه به لحاظ کالبدی و چه به لحاظ نهادی و قواعد حاکم بر آن) در پی نوعی مجازات ظریف روانی است. زندانی در این پژوهش حداقل به لحاظ کالبدی محدود است و تحت مراقبت دائمی قرار گرفته است. این درواقع اعمال نوعی خرده‌فیزیک قدرت بر روان زندانی است که به مسخ وی می‌انجامد.

با وجود این، تجارب متفاوت رفتاری و زیست در محیط زندان تا اندازه زیادی از اندیشه فوکو متفاوت می‌شود. تحقیق حاضر نشان داد که افراد اگر بخواهند می‌توانند مسیر تعالی‌بخشی را حتی در زندان دنبال کنند. از سوی دیگر می‌توان گفت که زندان به‌عنوان محیط پرمخاطره با مفهوم زندان به‌مثابه نظام سراسر بین اختلاف دارد؛ چراکه در بند قتل، زندانیان احساس و تجربه خطر دائم را داشتند که نشان می‌داد نظام‌های زندانبانی به‌خوبی عمل نمی‌کنند؛ زیرا اگر نظام زندانبانی به‌خوبی عمل می‌کرد، خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری در محیط زندان تداوم نمی‌یافت. این تحقیق نشان داد که زندان می‌تواند به‌صورت تناقض‌آمیز مکانی برای ارتقای روحی، روانی و اجتماعی باشد که در نظریه فوکو دیده نشده است. از سوی دیگر، موضوع انگ و داغ اجتماعی در میان مشارکت‌کنندگان بسیار برجسته بود. به نظر می‌رسد که همچنان می‌توان داغ اجتماعی را به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین پدیده‌هایی است که افراد را در جامعه برچسب می‌زند و آن‌ها را به حاشیه نظام اجتماعی منتقل می‌کند. این بخش از یافته‌های پژوهش در راستای نظریه گافمن است.

- در ادامه پیشنهادهایی ارائه می‌شود که عبارت‌اند از:
- ارتقای کیفیت روابط و تعاملات زندانیان و نظام‌های کنترلی در زمینه رفتار زندانیان به خصوص زندانیان در بند قتل؛
 - ارتقای وضعیت بهداشتی در محیط زندان به خصوص از حیث کنترل مصرف سیگار و مواد مخدر؛
 - توجه بیشتر به مسائل بهداشتی زندانیان؛
 - معرفی الگوهای موفق ارتقا در زندان و در بند قتل برای زندانیان این بند و سایر محکومان در زندان‌ها.

تقدیر و تشکر

از همکاری قاضی وقت آقای کورش زارع در راستای جمع‌آوری داده‌ها و نیز همکاری مسئولان زندان عادل‌آباد و بند قتل و همه مشارکت‌کنندگان در تحقیق تشکر و قدردانی می‌شود.

کتابنامه

۱. اعظم آزاد، م.، مشتاقیان، م. (۱۳۹۶). داغ ننگ، کیفیت روابط اعضا، خانواده و سلامت روان خانواده زندانیان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۸(۲)، ۴۴-۶۹.
۲. اسفندیاری بهر آسمان، م ص.، جوان جعفری بجنوردی، ع. (۱۳۹۵). کارکرد زندان از منظر نظریه‌های جامعه‌شناسی مجازات. *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ۱۲(۱)، ۱۳۷-۱۶۸.
۳. حامدی، م.، رضوی، ف. (۱۳۹۵). تبیین گفتمان سوژه و قدرت در تأملات فوکو و آثار تجسمی هالی با تأکید بر مفهوم زندان. *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ۲۱(۳)، ۵-۱۰.

۴. رشید، خ.، دلفان بیرانوند، آ، جعفری، ف. (۱۳۹۶). بررسی وضعیت اختلالات شخصیت در زندانیان و شناسایی متغیرهای مرتبط با آن (مطالعه موردی زندان مرکزی لرستان). *رویش روان‌شناختی*، ۶(۴)، ۱۷۱-۱۹۶.

۵. سخاوت، ج. (۱۳۸۱). بررسی اثر زندان بر زندانی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۹(۲۰)، ۲-۳۳.

۶. عرفانی، م.، داورنیا، ر.، بخشی زاده، ح. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر زندان بر تکرار جرم (مورد مطالعه: زندان مرکزی اردبیل). *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۲۵.

۷. عبدی، ع. (۱۳۸۱). مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۲)، ۷۷-۹۱.

۸. فوکو، م. (۱۳۷۸). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*. (ن. سرخوش؛ ا. ج.). تهران: نشر نی.

۹. گودرزی، م. ر.، جوان فر، ع. (۱۳۸۲). زندان زدایی؛ راهکارها و شیوه‌های باز اجتماعی کردن. *مجله اصلاح و تربیت*، ۱۷، ۱۰۶-۱۴۷.

۱۰. مالمیر، م. (۱۳۸۷). *مورد پژوهی قتل در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۸(۳۰)-۳۱، ۱۹۱-۲۱۵.

۱۱. محمدی، ا.، شیرینی، ط.، معدنی، س. و ابراهیم، ا. (۱۳۹۶). عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر گرایش به سرقت (مورد مطالعه زندان مرکزی اصفهان). *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۱۱(۴)(۳۹)، ۲۲۱-۲۶۰.

۱۲. مهدوی پور، ا.، دارابی پناه، ش. و شهرانی کرانی، ن. (۱۳۹۶). بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانیان. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۳)، ۲۸۱-۳۱۷.

۱۳. یعقوبی چوبری، ع. (۱۳۹۶). *سنخ شناسی و دلایل وقوع قتل عمد به شیوهی نظریه زمینه‌ای (مورد مطالعه: متهمان قتل استان گیلان در زندان لاکان رشت)*. *مسائل اجتماعی ایران*، ۹(۱)، ۱۶۸-۱۴۷.

14. Behan, C. (2013). Book review: Ben Crewe, *The Prisoner Society: Power, Adaptation and Social Life in an English Prison*.

15. Bowler, N., Phillips, C., & Rees, P. (2018). The association between imported factors and prisoners' mental health: Implications for adaptation and intervention. *International journal of law and psychiatry*, 57, 61-66.

16. Behan, C., & Kirkham, R. (2016). Monitoring, inspection and complaints adjudication in prison: the limits of prison accountability frameworks. *The Howard journal of crime and justice*, 55(4), 432-454.
17. Crawley, E. (2005). Institutional thoughtlessness in prisons and its impacts on the day-to-day prison lives of elderly men. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 21(4), 350-363.
18. Crawley, E., & Sparks, R. (2006). Is there life after imprisonment? How elderly men talk about imprisonment and release. *Criminology and Criminal Justice*, 6(1), 63-82.
19. Combalbert, N., Pennequin, V., Ferrand, C., Armand, M., Anselme, M., & Geffray, B. (2018). Cognitive impairment, self-perceived health and quality of life of older prisoners. *Criminal Behaviour and Mental Health*, 28(1), 36-49.
20. Cunningham, M. D., Sorensen, J. R., Vigen, M. P., & Woods, S. O. (2010). Inmate homicides: Killers, victims, motives, and circumstances. *Journal of Criminal Justice*, 38(4), 348-358.
21. Crawley, E. (2005). Institutional thoughtlessness in prisons and its impacts on the day-to-day prison lives of elderly men. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 21(4), 350-363.
22. Foucault, M. (1970). *The order of things: An archaeology of the human science*. London: Routledge.
23. Giertsen, H., Nylander, P. Å., Frank, V. A., Kolind, T., & Tourunen, J. (2015). Prisoners' experiences of drug treatment and punishment in four Nordic countries. *Nordic Studies on Alcohol and Drugs*, 32(2), 145-164.
24. Hulley, S., Liebling, A., & Crewe, B. (2012). Respect in prisons: Prisoners' experiences of respect in public and private sector prisons. *Criminology and Criminal Justice*, 12(1), 3-23.
25. Haesen, S., Merkt, H., Imber, A., Elger, B., & Wangmo, T. (2019). Substance use and other mental health disorders among older prisoners. *International journal of law and psychiatry*, 62, 20-31.
26. Ismail, N., & de Viggiani, N. (2018). Challenges for prison governors and staff in implementing the healthy prisons agenda in English prisons. *Public health*, 162, 91-97.
27. Iversen, V. C., Sam, D. L., & Helvik, A. S. (2014). Psychological distress and perceived health in inmates in Norwegian prisons. *Scandinavian Journal of Public Health*, 42(2), 171-176.
28. Jeffries, S., & Chuenurah, C. (2018). Pathways to prison in Cambodia for homicide offending: Exploring women's life history narratives. *South East Asia Research*, 26(2), 109-131.

29. Kovács, Z., Kun, B., Griffiths, M. D., & Demetrovics, Z. (2019). A longitudinal study of adaption to prison after initial incarceration. *Psychiatry Research*, 273, 240-246.
30. Liebling, A. (2017). The meaning of ending life in prison. *Journal of Correctional Health Care*, 23(1), 20-31.
31. Peirce, J., & Fondevila, G. (2019). Concentrated violence: The influence of criminal activity and governance on prison violence in Latin America. *International Criminal Justice Review*, 30(1), 99-130.
32. Park, M. J. Y., & Jeffries, S. (2018). Prisoners of identity: The experiences of ethnic minority Vietnamese women categorised as foreign in Cambodian prisons. *Women's Studies International Forum*, 69, 56-66.
33. Reddon, J. R., & Durante, S. B. (2019). Prisoner exposure to nature: Benefits for wellbeing and citizenship. *Medical Hypotheses*, 123, 13-18.
34. Ronke, G. A., & Happiness, I. I. (2015). An assessment of aggressive behaviour between prison inmates and non-prison inmates in Makurdi metropolis. *Nigeria. Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 190, 502-509.
35. Reddon, J. R., & Durante, S. B. (2019). Prisoner exposure to nature: Benefits for wellbeing and citizenship. *Medical hypotheses*, 123, 13-18.
36. Sánchez, F. C., & Wolff, N. (2017). The association between substance use and physical victimization among incarcerated men in Spanish prisons. *International Journal of Law and Psychiatry*, 5(50), 9-16.
37. Sturup, J. (2018). Comparing serial homicides to single homicides: A study of prevalence, offender, and offence characteristics in Sweden. *Journal of Investigative Psychology and Offender Profiling*, 15(2), 75-89.
38. Smart, B. (2010). *A Dictionary of Cultural and Critical Theory* (2nd ed.). Oxford: Wiley-Blackwell.
39. Warr, J. (2016). The deprivation of certitude, legitimacy and hope: Foreign national prisoners and the pains of imprisonment. *Criminology and Criminal Justice*, 16(3), 301-318.